

خیلواکی



استقلال

www.esteqalaal.net

یکشنبه، ۲۸ نوامبر ۲۰۲۱

دوکتور نور احمد خالدي

افغانستان چهار راه مدنیت ها: مردم افغانستان

کلب هوس

مقدمه:

طوری که قبلا گفتیم کشور مستقلی که در جهان امروز بنام افغانستان یاد میشود تهداب آنرا قیامهای میرویس خان هوتکی در سال ۱۷۰۹م، در قندهار، اسدالله خان ابدالی در سال ۱۷۱۷م در هرات و تاجگزاری احمدخان ابدالی به حیث پادشاه در سال ۱۷۴۷م در قندهار و تشکیل یک مملکت مستقل بر خرابه های امپراطوری های مغولی، صفوی و افشاری در این سرزمینها گذاشتند. این کشور در گذشته مدنیت های زیادی را تجربه کرده که کاوش های باستانشناسی آثار آن ها را در دسترس ما قرار می دهد. مهاجرت های زیادی هم صورت گرفته و در این مورد تیوری هایی به ارتباط مهاجرت آریایی ها از شمال قفقاز، از اوکراین و سایبیریا به جنوب بطرف سرزمین های ما موجود است. تمام این لشکرکشی ها، مدنیت ها و مهاجرت ها بالای ساختمان نفوس این مناطق ناگذیر اثر گذاشته اند. در این نوشته بالای مردم این سرزمین و ترکیب های قومی و زبانی آن مروری میکنیم.

دوران ماقبل تاریخ:

کاوش های باستان شناسی از موجودیت یک مثلث تمدنی که سرزمین های افغانستان امروزی در قلب آن واقع شده در عصر قبل از تاریخ پرده برمی دارند. این مثلث تمدنی شامل مدنیت های باختر و مرغاب (مدنیت دریا های آمو- مرغاب و هریرود) Bactria-Margiana Civilisation در شمال و شمالغرب کشور و مدنیت وادی دریای سند The Indus Valley Civilisation (هرپه و موهینجو دارو) در جنوب و شرق در پاکستان امروزی می باشد. این سه مدنیت قدامت ۵۳۰۰ ساله دارند. مدنیت دریا های آمو، مرغاب و هریرود شامل تمدن های ماورالنهر، آریانای عصر عتیق و خراسان باستان

اند و مدنیت هرپه و موهینجارو شامل تمدن های شمال هند، پاکستان و افغانستان شرقی و جنوبی می باشند.

همانگ با این کشفیات باستانشناسی، مطالعات ژنیتیکی اخیر (پروفیسور مازیار، پوهنتون پورتمسٹ انگلستان) ریشه اقوام پشتون و تاجیک افغانستان را در تمدن وادی سند تثبیت می نماید و ریشه های اقوام ترکتبار (ترکتبار ها عمدتاً شامل اوزبک ها، ترکمن ها، هزاره ها و ایماق ها می گردند) کشور را در مدنیت های ماورالنهر (آسیای میانه) و مغولستان می یابد.



از جانب دیگر این کشفیات باستان شناسی و ژنیتیکی به اسطوره های شامل ریگویدا و اوستا که قدیمترین منابع تاریخی و مذهبی مردم منطقه در عصر عتیق می باشند مهر تایید می زند. ریگویدا سلسله کتابهای مذهبی براهمنه هندو ها است که به زبان سانسکریت نوشته شده است. سرود های ویدی که بین سالهای ۲۵۰۰ الی ۱۵۰۰ قبل از میلاد قسماً در سرزمین هایی که امروز افغانستان نامیده می شود، وجود داشته و بعد در هندوستان تکمیل گردیده اند، به حیث مأخذ و منبع مهم تاریخ قدیم منطقه به شمار می رود و ما گفته می توانیم که دوره تاریخی در این مناطق با سرود های ویدی آغاز گردیده است. در سرود های ریگویدا از موجودیت مردم آریایی از هندوکش در افغانستان امروزی تا شمال هندوستان اطلاع داده که در وادی های هفت دریا زندگی می کردند که از جمله آن ها از دریا های کنر، کابل، سند و هلمند نام می گیرد.

در نقشه آتی اسم دریاهایی که در کتاب ریگویدا از آن ها نامبرده شده به حروف درشت انگلیسی و دریا هایی که در کتاب اوستا از آن ها نام برده شده به حروف کوچک انگلیسی نوشته شده اند: در این سرودها از مهاجرت این اقوام یاد آوری شده که تعدادی از دانشمندان جهت این مهاجرت ها را

تعریف شامل نیستند؛ ولایت آریا در اوستا که به وضاحت در نقشه های قبل از میلاد یونانی ها نشان داده شده شامل مناطق جنوب غرب کوه های هندوکش بوده هریوا و هرات امروزی است.

ایران شاهنامه همان اران شهر اوستایی است که کاملاً در افغانستان امروزی واقع شده است؛ شاهان اسطوره های پیشدادی و کیانی همه مربوط به سرزمین های افغانستان امروزی و بخصوص بلخ بوده قهرمانان اسطوره رستم، سهراب و گرشاسپ همه از این سرزمین ها بوده اند. گرشاسپنامه اسد طوسی و شاهنامه فردوسی طوسی در توصیف پادشاهان و قهرمانان افسانوی ایران یا سرزمین های افغانستان امروزی اند، نه از فارس.

زبان اوستایی همان زبان باختری، بلخی تخاری است که در حوزه باکتريا و بلخ به میان آمده است. زبان اوستایی زبان کهن آریاییان باختر است. اساساً زبان آریاییان حوزه باختر "آری" گفته می شده که پس از نوشتن کتاب اوستا در هزاره یکم قبل از میلاد بدان زبان، معروف به زبان اوستایی گردید. وقتی یونانی ها در ۳۳۰ قبل از میلاد به باختر زمین رسیدند با استفاده از این اسطوره ها و سرود ها سرزمین های شمال دریای آمو را "باکتریا" و سرزمین های افغانستان امروزی را "آریانا" و سرزمین های شمال غرب یا خراسان عهد اعراب را "پارتیا" نام دادند و در نقشه های خود به همین نام ها یادداشت کردند (اراتوستین قرن سوم قبل از میلاد). اراتوستین قدیم ترین نقشه جهان قرن سوم قبل از میلاد را ترسیم کرده که در کتابخانه اسکندریه در مصر موجود بود.

آریایی ها، حقیقت چیست و افسانه کدام است:

در بیشتر از یک و نیم قرن اخیر بسیاری مؤرخین و جامعه شناس ها باور به کوچ یا مهاجرت آریایی ها از شمال قفقاز و جنوب روسیه به سه جانب، به غرب به جانب اروپا، جنوب به جانب ایران امروزی و جنوب شرق به جانب افغانستان و هند باور داشتند. بدین گونه منشأ مردم این سرزمین را آریایی میدانند.

باید اذعان کرد که این عقیده کوچ آریایی ها چندان سابقه تاریخی ندارد. برای بار اول سر ویلیام جونز انگلیسی در اواخر قرن هژدهم به شباهت های ریشه های زبان های هند و اروپایی پی می برد و اصطلاح زبان های هند و اروپایی را معرفی می کند. همزمان با او دانشمند فرانسوی به نام آدیپرون که اوستا شناس بود و اولین ترجمه اوستا را به زبان اروپایی (فرانسوی) انجام داد، در سال های ۱۷۶۰م می خواست اشاره بکند به قومی که اوستا را نوشته اند. او با استفاده از کلمه آریا و یجه که در اوستا بود معادل فرانسوی آن را به شکل آریان Arian اختراع کرد و این قوم را آریین نامید. در دهه

های بعدی نویسندگان آلمانی به تدریج شباهت زبانی هند و اروپایی را به شباهت نژادی ارتقا می دهند چون به مساوات نژادی عقیده نداشتند و در جستجوی یک نژاد برتر بودند نژاد آریین را تبلیغ می کنند. تا این زمان هنوز کسی اصطلاح فارسی دری "آریایی" را نساخته بود. در دهه آخر قرن نوزدهم مرزا آقاخان کرمانی اولین شخص ایرانی است که به نژاد آریین اشاره می کند. رضا شفق در کتاب معروف "تاریخ ایران باستان" برای اولین بار از اصطلاح "آریایی" در قرن بیستم استفاده می کند. از آن به بعد اصطلاح "آریایی" به زیربنای ایدیولوژیک و نژادی ناسیونالیست های فارس، به مثابه یک نژاد برتر، با دنباله روی از آدولف هیتلر، مبدل می گردد که به موجب آن اسم رسمی فارس را به ایران مبدل می کنند، کتیبه های سنگی جعل شده هخامنشی ها از زیر خاکها برون می آیند، پادشاهان هخامنشی آریایی می شوند، قبر کس مادر سلیمان را بنام کورو ش نامگذاری میکنند، آهورا مزدا خدای آن ها می شود و امثالهم.

اما امروزه بسیاری از محققین سرشناس در ایران به مهاجرت آریایی ها از شمال به ایران امروز یا فارس باستان عقیده ندارند، کتیبه های هخامنشی را جعلیات ساخته شده دربار شاه می دانند، از جمله دکتور شاهرخ وفاداری پژوهشگر ایران باستان، رضا ضیا ابراهیمی پژوهشگر تاریخ ایران و استاد در دانشگاه آکسفورد در یک مصاحبه با تلویزیون فارسی بی بی سی در این مورد صحبت می کنند که به تیوری مهاجرت آریایی ها به عنوان یک نژاد عقیده ندارند. دکتور مازیار استاد ژنیتک در پوهنتون پورث سمث انگلستان در این مصاحبه می گوید: "همچون مهاجرتی را علم ژنیتیک تأیید نمی کند. آن ها می گویند اینکه آریا در اوستا به یک قوم یا یک طبقه خاص در جامعه و یا به زبان اطلاق می شده ما چیزی نمی دانیم."

بر همین منوال استاد معاصر ایرانی دکتور مرادی غیاث آبادی در یک مصاحبه با بخش فارسی رادیو فرانسه می گوید مردم ایران باشندگان بومی همین سرزمین ایران بوده اند و از جای دیگری به این سرزمین کوچ نکرده اند. در مورد آریایی ها او می گوید آریا در (اوستا) و آریو (کوشانیها) مردم سرزمینی بوده در شمال و شمالغرب افغانستان امروزی بلخ و هرات.

در هماهنگی با این اظهارات برای بار اول تحقیقات ژنیتیکی در مورد اقوام افغانستان منتشره جریده پلوس وان، چاپ بیست و هشتم مارچ سال ۲۰۱۲م به قرابت ژنیتیکی اقوام پشتون و تاجیک دلایل فزیک ژنیتیکی ارائه می کند و تیوری مهاجرت آریایی ها را از شمال به جنوب بطور مستدل مورد سوال قرار می دهد.

برای بعضی ها مربوط ساختن تاجیک ها به "آریاییها" و دیده پوشی از ریشه "آریایی" پشتونها به

حد تعصب بالا رفته است، اما حقیقت این است که هرگاه مردمی را که ما امروز به نام آریین یا آریایی، از خیرات نوشته یک دانشمند فرانسوی در اخیر قرن هژدهم می شناسیم، وجود داشته باشد اقوام پشتون و تاجیک هر دو شامل آن اند.

پروفسور نظروف منشأ مشترک آریایی اقوام پشتون و تاجیک را مطرح می کند. مرحوم میر غلام محمد غبار و احمد علی کهزاد از آریاییهای پختانه و دادیک نامبرده اند. برای بعضی فعالین سیاسی تاجیک قبول چنین فرضیه، هم نژاد بودن پشتون و تاجیک، در حقیقت نقض کامل تهداب ایدیولوژیک برتری نژادی فرضی آن‌ها بر قوم پشتون محسوب گردیده شدیداً آن را مورد سوال میبرند.

حالا جای دارد تحقیق کنیم تا بدانیم که آریایی یعنی چه؟ منشأ این نامگذاری زبانی است یا نژادی؟ آریایی‌ها کی‌ها بودند و در کجا زندگی می‌کردند؟ آریایی‌ها از کجا آمده‌اند؟ آیا فرضیه مهاجرت و کوچ آریایی‌ها از شمال قفقاز به جنوب به سرزمین‌های آسیای میانه، ایران امروزی، افغانستان امروزی و هندوستان حقیقت دارد؟ منشأ این فرضیه بر چه استوار است؟ آیا افغانها و ایرانی‌ها آریایی هستند؟ برای پاسخ دادن علمی به این سوالات تاکنون تحقیقات کافی صورت نگرفته است.

پایان قسمت اول